



تعرض گارد آزادی به نیروهای رژیم در تلافی  
حمله به مردم ستمدیده

ص 2

### قدرت نمایی یا ترس!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

ص 8

درخواست نگهبان شرکت راهسازی  
ساردو

بهروز آتشین

اول بهمن ماه 87 در حال عبور از  
مسیر جاده سنندج به دیواندره بودیم  
که در فاصله بیست کیلومتری  
سنندج پیرمردی 65 ساله

که بعداً فهمیدم کارگر شرکت  
راهسازی ساردو در محور سنندج -  
یواندره است

ص 7

### اطلاعیه سیاسی یا شاهکار ادبی

درحاشیه اطلاعیه کمیته مرکزی  
حزب کمونیست ایران (کومه له)

رضا دانش

بدنیال اقدامات پلیسی جریان ایرج  
آزین - رضا مقدم

ص 5

### تعرض به مردم را باید با تعرض جواب داد نکاتی پیرامون عملیات واحد 201 گارد آزادی در مریوان

رحمت فاتمی

همچنانکه در اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست آمده است در تاریخ  
26 بهمن در ساعت 8 شب، نیروهای واحد 201 گارد آزادی در عملیاتی  
هماهنگ مقر فرماندهی سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی

ص 4

# اکتبر 16

www.oktoberr.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

Rz.Danesh@gmail.com

سر دبیر: رضا دانش

1387 اسفند 16 - 24 فوریه 2009

### 8 مارس را به صحن علنی جامعه آوردیم چون نمی شد از کنار آن همه بی عدالتی بر زنان آسان گذشت

مصاحبه اکتبر با دیبا علیخانی در مورد 8 مارس  
روز جهانی زن

اکتبر:

لطفاً در مورد 8 مارس و تاریخچه مبارزات زنان  
و مردان سوسیالیست و کمونیست در ایران بگویید؟

دیبا علیخانی:

در ایران 8 مارس تاریخچه ی قابل تاملی دارد اولین  
مراسم 8 مارس در سال 58 تظاهرات زنان بر علیه  
فرمان اجباری شدن حجاب بود که یک روز قبل از 8  
مارس صادر شده بود و حضور دهها هزار نفری زنان  
باشعار ما انقلاب نکردیم که به عقب برگردیم را به  
همراه داشت ، سرکوب آن اعتراضات دو سه سالی  
طول کشید . پس از آن در شرایط اختناق انسانهای  
آزادخواه و برابری طب با برپا کردن مهمانی های  
دوستانه در منازل یاد این روز را گرامی می داشتند.  
سالها گذشت.

سالهایی سیاه که بین ما و مردان به مثابه جنس دوم مرز  
کشیدند ، منبر و مدرسه و دانشگاه و دادگاه و کوچه و  
خیابان و در و همسایه و خانواده ها

ص 3

از کومه له کمونیست چه چیزی باقیمانده است؟  
جمال بهرامی

ص 7

سرنوشت آزادیخواهان و کمونیستها در  
"حزب کمونیست "

ص 8

ماهیهانه 300 هزار دلاری جمهوری اسلامی به حزب  
جنبش اسلامی کردستان عراق

ص 4

## از آزادی، برابری، حکومت

## تعرض گارد آزادی به نیروهای رژیم در تلافی حمله به مردم ستم دیده

تعرض گارد آزادی به نیروهای انتظامی و کالای قاچاق رژیم در مریوان، که در روستای دگاگا بیش از 100 تن اموال کاسبکاران و بسیاری از زحمتکشان بار بر مرزی را، غارت کردند مورد استقبال وسیعی قرار گرفت. اطلاعاتی این خبر در ادامه خواهد آمد. نیروی انتظامی و کالای قاچاق در حالی زندگی این ستمدیگان را مورد حمله بیشتر قرار میدهند که سران ریز و درشت حکومتی بلااستثنا خود اصلی ترین قاچاقچی یانند. اینها هستند که باید دستگیر شوند. اینها هستند که هزاران کارگر جوان و ستم دیده که در سنین پایین دست از درس و زندگی کودکی میکشند و راهی مرزهای وحشت مین و گلوله و آتش میشوند تا نان بخور و نمیر خانواده رنج دیده را تامین کنند، مورد تعرض قرار میدهند، اینها زنان و مردان ستم دیده ای را قاچاقچی مینامند که شب و روز را برای کسب در آمدی 5 دلاری کوه ها و دره های بسیاری را پشت سر میگذارند و تمام مسیر را در انتظار مرگ طی میکنند. بیمه بیکاری و اشتغال پاسخ رژیم به هزاران جوان سرگردان در این مرزها نیست. پاسخ رژیم کندن گودال های عمیق با طول و عرض زیاد و پر از سیم خاردار و برج های دیده بانی است که در مرزها ایجاد کرده است. اینها برای جلوگیری نفوذ نیروهای مسلح سازمانهای سیاسی آنطرف مرز نیست، اینها برای جلوگیری از "ضد انقلابیون" نیست، ضد انقلاب اسلامی همان مردمی هستند که باید اینگونه از سوی

سرمایه داران بیش از پیش اسیر و سرگردان شوند و به دنیای اعتیاد و فحشای میلیونی بپیوندند و نای هر گونه اعتراض و مبارزه بر علیه این شرایط جهنمی را از آنان بگیرند. گارد آزادی سازمان مبارزه مردم ستم دیده و جوانان انقلابی برای نابودی این شرایط است که در کنار دیگر اشکال مبارزه آنها خواهد بود. گارد آزادی در کنار این مبارزه، سازمان در برگیرنده مبارزانی است که در همه اشکال مبارزه و مقاومت، ماشین سرکوب، خفقان، فلاکت و ارتجاع را میخواهند در هم بشکنند.

### گارد آزادی به مرکز فرماندهی سپاه و فرماندهی نیروهای انتظامی در مریوان حمله کرد

در تاریخ ۲۶ بهمن در ساعت ۸ شب، نیروهای واحد ۲۰۱ گارد آزادی در عملیاتی هماهنگ مقرر فرماندهی سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی در مریوان را با اسلحه سبک و نارنجک مورد حمله قرار داد. این عملیات گارد آزادی، بدنبال حمله گسترده نیروهای جنایتکار رژیم در سحرگاه همین روزبه روستای دگاگا، صورت گرفت. این روستا یکی از محل های تمرکز اجناس وارده از سوی کاسبکاران مرزی میباشد. نیروهای رژیم در سحرگاه روز ۲۶ بهمن در عملیاتی گسترده با شرکت نیروهای کالا قاچاق و نیروهای انتظامی از مریوان وسولوا، این روستا را محاصره

کمیته کردستان حزب کمونیست ۲۷ بهمن ۱۳۸۷  
۱۵ فوریه ۲۰۰۹

زنده باد سوسیالیسم!

## مصاحبه اکتبر با دیبا علیخانی در مورد 8 مارس روز جهانی زن

ضعیفه و ناقص العقل بودنمان را هر لحظه چون پتکی بر سرمان فرود می آورند.

این بار نسلی سر بر آورد که نه فقط این زندگی نا میمون مملو از تحقیر و فلاکت را سر نوشت ازلی خود نمی پنداشت بلکه در هر فرصتی علیه این بی حقوقی قد علم می کرد. پس از آن 8 مارس به صحن علنی جامعه آورده شد و خواست و مطالبه ی میلیونها زن بی حقوق مطرح شد. از دیدگاه سیاسی و جامعه شناختی 8 مارس در سالهای اخیر در قیاس با سال 58 جایگاه ویژه تری دارد چرا که این بار نسلی 8 مارس ابر گزار کرد که هیچگاه آزادی را تجربه نکرده بود، وجودش ملامت نرفت از قوانین نا برابر و ظالمانه بود و اهانت و تحقیر زن بودن را تا مغز استخوانش چشیده بود.

**اکتبر: 8 مارس چه جایگاهی در مبارزه زنان دارد؟**

**دیبا علیخانی:** 8 مارس مبارزه طبقاتی زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب جامعه را نمایندگی میکند صف آرای اجتماعی میلیونها انسان تحت ستم را با خویش دارد. گر چه در همه دنیا جایگاه ویژه ای دارد اما در ایران جایگاهش فراتر از گرامیداشت یک روز است. به این دلیل که رسماً در ایران خشونت سازمان یافته و متکی بر قوانین نوشته زندگی زنان را تباه کرده است.

**اکتبر: در کردستان که شما بیشتر تجربه مبارزه سازمانیافته دارید مراسمهای 8 مارس در سالهای گذشته چگونه برگزار شده است؟**

**دیبا علیخانی:** همیشه کردستان صحنه جدال واقعی زنان برای دستیابی به حقوقشان بوده است جدال جریانات مرتجع و مذهبی که همیشه حقوق زنان را نقض کرده اند و نیز قوانین زن ستیز که سایه شوم اش را بر تمامی جوانب زندگی زنان گسترانیده است با طرف دیگر سکه جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی که همیشه 8 مارس را به اشکال مختلف زنده نگه داشته است. در سیاهترین دوران اختناق این روز در خانه ها جشن گرفته می شد شعار در دفاع از حقوق زنان بر در و دیوار شهر در این روز به چشم می خورد شریف ترین انسانهای آزاده فقط به جرم گرامیداشت این روز به جوخه های اعدام سپرده شدند یا حکم زندان طولانی گرفتند. یکی از قویترین انگیزه ها

ی ما برای اینکه 8 مارس را به صحن علنی جامعه بیاوریم این بود که نمیشد از کنار آن همه بی عدالتی بر زنان آسان گذشت نه فقط قانونی برای حمایت از زن وجود داشت بلکه قانون به خشونت بر زن مشروعیت میداد. در چنین جامعه ای تو نوعی به عنوان یک انسان آگاه به حقوق انسانی ات و نیز یک زن حق دو انتخاب داری یا تحقیر و توهین را تحمل میکنی و خودت را محکوم به آن زندگی می دانی یا مبارزه و یافتن هم سرنوشتانت را بر می گزینی. 8 مارس راه دوم و مبارزه برای تحقق برابری زن و مرد در همه ی عرصه ها ی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و لغو قوانین زن ستیز را میسر میکرد. به این روش ما به زنان نیز در سطح وسیع تری دست می یافتیم. اوایل کار سخت و طاقت فرسایی بود. سالها زندگی کردن تحت قوانینی که زن را نادیده می گیرد انسانها و مخصوصاً نسل گذشته تر را تبدیل به بخشی از آن ارتجاع میکند و مهم تر از تقابل نسلها، عدم استقلال اقتصادی زنان همواره یکی از موانع بسیج زنان در سطح وسیع بوده است. البته روال کار ما این طور نبود که ما یک شبه یک فراخوان برای شرکت در 8 مارس بدهیم و مردم هم فردایش در مراسم حضور یابند. کسانی که تجربه ی کار اجتماعی را دارند میدانند جلب اعتماد مردم در هر جامعه ی بالاخص اختناق زده کاری نیست که یک شبه اتفاق بیافتد. مردم به کسی که در کنار آنهاست و مبارزه و زندگی اش به هم گره خورده است و بر علیه وضع موجود قد علم کرده است اعتماد و افتخار می کنند و این یکی از بهترین شانس های ما برای فعالیت مان بود. در طول سال مناسبت های مختلف در دفاع از حقوق زنان سمینارها و کارگاه های مختلف برگزار می کردیم و مهم تر از همه دفاع از زنان بی خانمان به اشکال مختلف چه در دادگاهها و چه در مراکز پزشکی و ارایه خدمات رایگان روان شناسی به جوانان و زنان، دخالتگری در همه ی تحرکات مختلف اجتماعی و خلاصه همه ی کسانی که دست اندرکار این مراسم ها بودند افراد محبوب و معتمد و اجتماعی بودند که محل کار و زندگی شان همواره محل به چالش کشیدن وضع موجود بود. همه ی این موارد پشتوانه ی 8 مارس های چند هزار نفره و پر شور ما در سالهای اخیر بوده است.

**اکتبر: از بهترین و بدترین خاطره اتان از سازماندهی و برگزاری مراسم 8 مارس برای خوانندگان اکتبر بگویید؟**

**دیبا علیخانی:**

این سوال جوابی در حد صفحات یک کتاب می خواهد اما در کل با وجود تمام سختی ها و استرس ها هیچ خاطره ای به عنوان تلخترین در ذهنم نمانده و همیشه آن بخش از فعالیتهایم به عنوان مهم ترین دوره ای افتخار آمیز برایم خواهد ماند، یک حضور ماندگار و غیر قابل حذف در تاریخ مبارزات زنان و افتخاری که نصیب هر کس در زندگی نمی شود. نمی شود تاریخ آزادی زنان را ورق زد و از کسانی یاد نکرد که برای این اولین بار پرچم نه به اعدام، نه به قتل نا موسی، حجاب اجباری و... را در دل سیاهی و اختناق بلند کردند، نمی شود از انسانهای آزادیخواه و معترضی یاد نکرد که فارغ از غم نان این جنبش را یاری دادند. هنوز اولین لحظاتی که از میان جمعیت پشت تریبون می رفتم را به یاد دارم، هیچوقت در زندگیم آنقدر احساس غرور و بالنده گی نکرده ام اول برنامه کمی استرس داشتم گرچه تجربه ی سخنرانی در جمع را داشتم اما نه برای دو تا سه هزار نفر. جمعیت زیادی بود. به اکثر چهره هایی که در ردیف اول به من نزدیکتر بودند نگاه کردم یکی از معلمهای شیمی ام را دیدم بعد یکی از دکترهای شهر، یکی از وکیل ها، بعد یکی از همکارانم و پدرم که همیشه نگرانم بود و... با تردید مکثی کردم: برای آن همه جمعیت چه حرفی بزنم همه از من بهتر میدانند. دوباره به خود گفتم مهم این است کی حرف دلش را بزند، کی برود آن بالا و همان حرفهایی که همه میدانند اما در دل دفن می کنند را با صدای بلند فریاد بزند. در آستانه ی 8 مارس دیگر و فرصتی دیگر باز مهم این است چه کسی برود آن بالا و حرف دل میلیونها زن بی حقوق را با صدای بلند بزند، چه کسی هر فرصت ولو کوچک را غنیمت می شمرد.

با تشکر از شما دیبا علیخانی که به سوالات اکتبر پاسخ دادید

### کمکهای مالی رسیده به کمیته

**کردستان**

تینا 300 دلار

نینا جمالی 50 دلار

سروه - سامی 100 دلار

سعید کرامت 100 دلار

هادی عباسی 70 دلار

بهره حسین 130 دلار

ک. آ. 200 دلار

آ. آ. 100 دلار

با تشکر از همه یارانی که کمکهایشان را به ما رساندند.

## تعرض به مردم را باید با تعرض جواب داد نکاتی پیرامون عملیات واحد 201 گارد آزادی در میوان

رحمت فاتحی

در میوان را با اسلحه سبک و نارنجک مورد حمله قرار داد. این حرکت جوابی بود از طرف گارد آزادی به تعرض رژیم به مردم فقیر و زحمتکش شهر و روستاهای منطقه که اساسا امرار معاش آنها از طریق قاچاق اجناس از دو طرف مرز ایران و عراق است که از طرف مزدوران جنایتکار اسلامی به آنها حمله شده بود.

در سحر گاه آن روز لشگریان جنایتکار اسلام به روستای دگاگا حمله میکنند. این روستا یکی از محل های تمرکز اجناس وارده از سوی کاسبکاران مرزی میباشد و در عملیاتی گسترده با شرکت نیروهای کالای قاچاق و نیروهای انتظامی از میوان و سولوا، این روستا را محاصره کرده و بیش از 10 کامیون اجناس کاسبکاران را مصادره کردند. اعتراض گسترده مردم به این عمل وحشیانه با حمله نیروهای ضد شورش پاسخ داده شد. و علیرغم اعتراض مردم، مزدوران رژیم موفق میشوند که اجناس را ببرند. واحد 201 گارد آزادی بدرستی به این جنایت رژیم عکس العمل نشان داد و جواب تعرض رژیم در حمله به مرکز سپاه که اموال مصادره مردم در آن نگهداری میشد را داد. این حرکت به درستی حمایت و پشتیبانی زیادی را از طرف مردم بدنبال داشت.

زنده باد گارد آزادی

rahmatfatehi@yahoo.co.uk

### ماهیهانه 300 هزار دلاری جمهوری اسلامی به حزب جنبش اسلامی کردستان عراق

جمهوری اسلامی به مثابه بانی تروریسم اسلامی در جهان و منطقه نقش پشتیبان مالی و تدارکاتی دهها گروه و سازمان تروریستی را بر عهده گرفته است. بغیر از کمکهای لجستیکی، اطلاعاتی و ارسال اسلحه و تسلیح جناحهای مختلف گروههای اسلامی، سالیانه میلیونها دلار از درآمد مردم توسط رژیم اسلامی صرف سازماندهی و راه اندازی دستجات اسلامی میشود. در همین رابطه به نقل از منابع آگاه، جمهوری اسلامی ایران ماهیهانه 300 هزار دلار به حزب جنبش اسلامی کردستان عراق (بزوتنه وه ی اسلامی کردستان) کمک مالی پرداخت میکند، هدف از پرداخت این ماهیهانه انجام ماموریتهایی است که نیروهای اطلاعات در کردستان عراق از انجام آن عاجزند و بزوتنه وه به نیابت از مامورین اطلاعات وظایف محوله را بر عهده میگیرد.

منبع: مجله لفین

به گارد آزادی  
به پیوندید!

گازوئیل بر سر و صورت و لباس های آنها ریخته شده و این انسانهای زحمتکش را تحقیر و به آنها خندیده اند. به دفعات اتفاق افتاده که نیروی انتظامی فرد یا افرادی را دستگیر کرده اند ضمن مصادره اموال، آنها را در مقابل این انتخاب قرار داده اند که خودتان تصمیم بگیرید میخواهید خودتان را بکشیم یا اسبیتان را. هیچ خواهش و تمنا و توضیحی از طرف فرد دستگیر شده که خانواده ام گرسنه هستند و زنده ماندن من به این کار طاقت فرسا گره خورده تاثیری روی این مزدوران وحشی نداشته و بالاچار قبول کرده که تنها وسیله امرار معاش را جلوی چشمانش بکشند. واحد گارد آزادی به درستی به این جنایت ها جواب داد.

حزب حکمتیست و گارد آزادی همیشه اعلام کرده است تعرض به کارگر و زحمتکش و مرکز معیشت آنها را تعرض به خود میداند و در هر ظرفیتی که امکان پذیر باشد آن را بی جواب نخواهیم گذاشت.

گارد آزادی سازمان و قدرت توده ایی حزب حکمتیست است. سازمان دفاع و جواب گویی به قلدربها و زورگویی های رژیم میباشد. از خود مردم و در محل کار و زندگی مردم هستند. ما قبلا و بکرات اعلام کرده ایم که منطق جنایتکاران اسلام زور است و تنها با قدرت میشود جواب این جانین را داد.

گارد آزادی ابزاری است برای تمامی انسانهایی که از جنایت این رژیم به تنگ آمده اند، داشتن امنیت و آسایش را حق بدیهی خود میدانند و خواهان زندگی انسانی هستند. برای مقابله با حمله مرتجعین و مزدوران رژیم به کارگران، زنان، دستفروشان، کاسبکارن باید با متشکل شدن در واحد های گارد آزادی و تعرض متقابل به این مزدوران به آنها جواب در خورداد و رژیم را عقب راند به طوری که رژیم بداند که گارد آزادی هیچ تعرضی را بدون جواب نخواهد گذاشت. دفاع از اعتصابات کارگری و اعتراضات روزانه مردم باید امر همیشگی گارد در محل کار و زندگی مردم باشد. گارد آزادی باید قادر شود مراسمات اعدام رژیم، سنگسار و تعقیب مردم برای دستگیری آنها را به هم زند. گارد باید با برنامه ریزی دقیق دستگیرشدگان را از دست مزدوران رژیم فراری دهد. برای دفاع از خود و تمامی انسانهای آزادیخواه و حق طلب در واحد های گارد از ادی متشکل شوید

رژیم جنایتکار اسلامی با کشیدن کانالهایی به عمق 7 متر و عرض 4 متر، گذاشتن دیوارهای بلند بتونی، دیده بانها و سیستمهای الکترونیکی مرزها را بسته و به همین دلیل هزاران نفر که از این راه امرار معاش میکردند را بیکار کرده، بدون اینکه این جانین یک لحظه هم به این فکر کنند که مردم باید برای تامین زندگیشان چکار کنند. در همین فاصله دهها نفر از این مردم زحمتکش که از راه کول بری و مبادله کالا بین زحمتکشان 2 طرف مرز امرار معاش میکنند، به وسیله این مزدوران کشته و زخمی شده اند، صدها راس از قاطرها و اسبهایی که تنها وسیله امرار معاش این انسانهاست چه به شکل راسی یا دسته جمعی را کشته اند. نیروی قصی القلب انتظامی که بویی از انسانیت نبرده اند بارها کول برهایی را که مواد سوختی را که با کول از مرز منتقل میکنند دستگیر کرده اند و آنها را با کول هایشان روی پا نگه داشته اند و با چاقو گالون آنان را پاره کرده و منتظر مانده اند تا آخرین قطره بنزین با

## اطلاعیه سیاسی یا شاهکار ادبی

در حاشیه اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران (کومه له)

رضا دانش

دستور داده اند در مقابل نفوذ رو به افزایش نئوتوده ایها در سازمانشان اهمال کنند و بیخیال باشند تا آنها تشکیلات را تمام و کمال تحویل جریان منحنی آذین - مقدم دهند.

در بخشی از اطلاعیه مزبور آمده است:  
**"مدتی است که رهبری حزب حکمتیست با انتشار مطالبی در سایت‌های اینترنتی، تبلیغات جنجالی بی مقداری را بر علیه کومه له و حزب کمونیست ایران بر اه انداخته است. شکل این تبلیغات غیر سیاسی، غیر اخلاقی است و تنها در چهارچوب یک عقده گشایی روانی میتوان آن را درک کرد. محتوای بهانه ها و مستمسک های آن نیز بر پایه دروغ و کذب محض استوار است ..."**

تیزترین اطلاعیه میخواید به خواننده القا کند که کل این ماجرا تنها جنجال تبلیغاتی حکمتیست‌هاست و نئو توده ایهای جاحوش کرده در کومه له قربانیان بیگناه هجوم تبلیغاتی دشمنان کومه له یعنی ما حکمتیست‌ها شده اند. در این اطلاعیه کل ماجرا به حزب حکمتیست منتسب میشود و از گروه یا اشخاص دیگری نام برده نمیشود!!

اما آیا تنها حکمتیست‌ها هستند که در مقابل این فساد سیاسی و تحرکات توده ایستی موضع گرفته اند؟ آیا سندیکای شرکت واحد اتوبسرانی تهران و حومه ، اتحادیه آزاد کارگران ایران ، گروه همبستگی با جنبش کارگری- برلین، راه کارگر، بهرام رحمانی، بهم - شفیق، امیر پیام، رضاشاهی، ناصر اصغری، م حمد قادری، کریم استوارپور، مسئول سایت آزادی بیان و .... همگی حکمتیست هستند ؟

آیا کمیته مرکزی کومه له از اعتراضات وسیعی که توسط گروهها و شخصیت‌های مختلف انجام گرفته است بیخبر است؟ یا از روی عمد خود را به بیخبری میزند؟ به چه دلیل وانمود میکنند که کل ماجرا جنجال تبلیغاتی حزب حکمتیست است؟ نئوتوده ایهای موجود در رهبری کومه له عامداً و آگاهانه میخوایند با این حربه خود را از زیر فشار منتقدان خارج کنند و جریان نئوتوده ای را تیره کرده و حزب حکمتیست را با استفاده از این نوع ادبیات عقب بزنند.

اگر موضعگیری در مقابل نئوتوده ایسم تبلیغات غیر سیاسی و غیر اخلاقی است، پس کار پلیسی و فساد سیاسی در جنبش دانشجویی و اکنون در جنبش کارگری را از دید شما چه باید نامید؟ باید به این آقایان و خانمان محترم

سیاسی با کومه له، پیوستن آن را به جبهه ارتجاع و رسوخ عنصر پلیس و جاسوس در آن را به حال کل اپوزیسیون جمهوری اسلامی سم میدانند، و پیوستن کومه له به جریان نئوتوده ای را به زیان کل اپوزیسیون و مردم ایران ارزیابی کرد. رهبری حزب حکمتیست همچنین نسبت به آینده سیاهی که در مقابل کومه له دهان باز کرده است هشدار داد.

نئوتوده ایهای درون کومه له بدنبال این افشاگریها و هشدارها از سوی حزب حکمتیست و سایر گروههای سیاسی قلم بدستان با پرنسیب و با ادب !! خود را مامور توجیه و جوابگویی به سیل انتقادات و مخالفتها کرد. برای وارونه جلوه دادن حقایق و وانمود کردن قضیه به دشمنی و خصومت شخصی موجی از اتهامات و فحش و ناسزا را نثار حکمتیست‌ها کردند. با استفاده از ادبیات لمپنی و سخیف سعی کردند فضا را به نفع فعالیت‌های پلیسی خود تغییر دهند. ما را در دشمنی با کومه له به توده و اکثریت تشبیه کردند!! انشعاب در کمونیسم کارگری را نتیجه پراتیک اجتماعی کومه له و شفافیت در مواضع و سیاست‌های خود عنوان کردند !!! برخورد و اقدامات حزب اتحاد کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری در عادی سازی مناسبات و همکاری و اتحاد عمل با کومه له را در مقابل ما قرار دادند و اظهار داشتند که فقط حزب حکمتیست است که آنها را به اقدامات پلیسی علیه دانشجویان متهم میکند!! از زمین وزمان سخن رانند، اما دریغ از یک جمله در مورد محکومیت اقدامات پلیسی و فساد نئوتوده ایستی در صفوف اپوزیسیون جمهوری اسلامی !!

حاشیه روی، توهین و هتاک و عدم محکومیت کارهای پلیسی و جاسوسی در بین نیروهای اپوزیسیون مخرج مشترک تمامی مقالات با بعبارت صحیح ترفحشنامه های این نویسندگان نا محترم بود. تعدادی از نویسندگان نزدیک به جریان آذین و مقدم در نوشته هایشان بر مجاهدتهای گذشته خود در افشای نقش مخرب حزب حکمتیست در جنبش دانشجویی مجدداً تاکید کردند.

سرانجام کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران جسارت بخرج داد و در این رابطه در دوم فوریه اطلاعیه ای تحت نام " در ارتباط با جنجال تبلیغاتی رهبری حزب حکمتیست " منتشر کرد. در این اطلاعیه با زبان بی زبانی به اعضا و کادرهای کومه له

در سایت تربیون مارکسیسم علیه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و همگامی کومه له با این جریان

و در اختیار گذاشتن سرور تلویزیون کومه له به گردانندگان سایت مذکور، این واقعه از سوی احزاب و شخصیت‌های مختلف و از جمله حزب حکمتیست مورد نقد و افشاگری واقع شد.

رهبری کومه له در قبال این مسئله همچون بیشتر اوقات سیاست سکوت را در پیش گرفت. اما تعدادی از اعضا و کادرهای کومه له همگام با ایرج آذین و رضا مقدم با تمام توان به دفاع از عملکرد پلیسی خود و تربیون مارکسیسم برآمدند ، و دلیل اقدامات پلیسی خود را افشای نقش مخرب حزب سیاسی نظامی حکمتیست در جنبش دانشجویی عنوان کردند!!

دامنه همگامی و اتحاد نامیمون بخشی از رهبری و کادرهای کومه له با جریان منحنی آذین - مقدم این بار به جنبش کارگری کشیده است. بهانه این بار برای اجرای پروژه مشترک نئوتوده ایهای کومه له و آذین - مقدم افشا و معرفی عوامل امریکا در جنبش کارگری ایران است. فراکسیون اعلام نشده نئوتوده ایهای کومه له با صراحت در نشریه جهان امروز شماره 219 بر اجرای پروژه جدید بدور از تعجیل و شتاب زدگی مجدداً تاکید کرد!!

این اقدام پلیسی علیه فعالین کارگری با توجیه ضد امپریالیستی و تحت نام افشای عوامل امریکا در جنبش کارگری صورت میگیرد. طیف وسیعی از شخصیت‌های سیاسی شناخته شده با گرایشات متفاوت و گاه متضاد در اپوزیسیون جمهوری اسلامی صریحاً در مقابل این اقدام موضع گرفتند و آن را محکوم کردند. در داخل کشور نیز با وجود محدودیتهای تحمیلی از جانب رژیم اتحادیه آزاد کارگران و سندیکای شرکت واحد جداگانه و با صدور اطلاعیه هایی جداگانه به اقدامات پلیسی نئوتوده ایها اعتراض کردند.

حزب حکمتیست نیز همچون سایر نیروهای اپوزیسیون با احساس مسئولیت در قبال رخنه نئوتوده ایسم و فساد سیاسی در صفوف کومه له و سر نوشت آن، اعضا و کادرهای این حزب را به افشا و طرد عناصر نئوتوده ای فراخواند و اعلام کرد علیرغم هر اختلاف

گفت: خود را به نفهمی و بیخبری زدن، حداقل در این مورد خاص کارگشا نیست. با

انکار واقعیت به جایی نخواهید رسید. در این ماجرا تنها حکمتیست که طرف شما نیستند بلکه شما با تمامی انسانهای شریف و مبارزی طرف هستید که خواهان سالم نگهداشتن فضای سیاسی در بین نیروهای اپوزیسیون ایران هستند.

در ادامه اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست (کومه له) آمده است: **"... علت واقعی این ضدیت کور با کومه له و حزب کمونیست ایران چیست؟ واقعیت این است که حزب حکمتیست یک جریان منزوی، حاشیه ای و بی ریشه ای است که از طریق قیل هوا کردن و جنجال سازی حیات سیاسی حقیر خود را معنی می کند..."**

در چند روز گذشته با دیدن ادبیات ناب قلم بدستان کومه له به این فکر میکردم که احتمالاً رهبران این جریان با نویسندگان بددهن و هتاک کومه له به لحاظ عدم رعایت پرنسیپهای اخلاقی در نوشتن همسو و هم جهت نیستند. اما با دیدن اطلاعیه کمیته

مرکزی کومه له دریافتیم که سخت در اشتباه بوده ام زیرا آب از سرچشمه گل آلود است. این سبک نوشتاری سبک غالب در ادبیات کومه له و منجمله رهبری این حزب است و قلم بدستان هتاک ننوخته ای درس فحاشی را از منظر استادان خود در کمیته مرکزی گرفته اند.

در چند روز گذشته بارها و بارها این رهبران و کادرهای حزب حکمتیست بوده اند که از تاریخ و سابقه کمونیستی کومه له در مقابل ناسیونالیسم و سایر گرایشهای ارتجاعی دفاع کرده اند. زیرا رهبران و کادرهای حکمتیست سازندگان بخش مهمی از این تاریخ و سابقه کمونیستی بوده اند.

شاید اعضا و کادرهای جوان کومه له از تاریخ این مبارزات بی خبر باشند، توصیه میکنم بروند و این تاریخ و رهبران کمونیست آنرا بشناسند. منصور حکمت در راس این مبارزات قرار دارد و تعداد زیادی از رهبران شناخته شده مبارزات کمونیستی که بعید میدانم هر 4 و 5 سازمان موجودی که تحت نام کومه له فعالیت دارند یک دم آنها را جای دیگری غیر از حکمتیستها سراغ داشته باشند بهتر است در این مبارزه و این تاریخ جستجو کنید.

تنظیم کنندگان این اطلاعیه بهتر از هر کسی رهبران و کادرهای حزب حکمتیست را میشناسند و با سابقه مبارزاتی آنان آشنایی دارند. به یمن همین رهبران کمونیست، حزب حکمتیست در طول حیات کوتاه خود توانسته است به یکی از تاثیرگذارترین

احزاب سیاسی در عرصه سیاست ایران تبدیل شود. کمیته مرکزی کومه له و ننوخته ایهای آن بر جایگاهی تکیه زده اند که حاصل سالها تلاش و مبارزه جانباختگان کومه له و همین رهبران حکمتیست است و به همین دلیل ما اجازه نخواهیم داد کومه له به مرکز فعالیت ننوخته ایها علیه اپوزیسیون جمهوری اسلامی تبدیل شود.

در ادامه اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له آمده است: **"جای تاسف است که برای جمعی که زمانی شرافت سیاسی برایشان مفهومی والا داشت، امروز هدف زندگی خود را گم کرده اند و دنیای سیاست آنقدر برایشان حقیر و کوچک شده است که صف انقلاب و ضد انقلاب برایشان بی معنا میشود و مبارزه با دشمن آنقدر برایشان فرعی است که فعلاً مبارزه اکتیو با کومه له جای آن را برایشان پرمیکند تا در فرصتی دیگر موضوع کار دیگری فراهم شود..."**

عجبا از این همه عوامفریبی!! اگر این جمع (حزب حکمتیست) مجیز جریان آذرین - مقدم را میگفت و بر کارپلیسی توده ایهای جدید صحنه میگذاشت لابد از نظر کمیته مرکزی کومه له شایسته تقدیر و گرامیداشت بودند. ما داشتن شرافت سیاسی را در مبارزه با جمهوری اسلامی سرمایه، در دفاع از حقوق کارگرو زحمتکش، در دفاع از آزادی زنان، در برقراری جمهوری سوسیالیستی و در دفاع از سالم نگهداشتن فضای سیاسی در بین اپوزیسیون رژیم اسلامی معنا میکنیم. مخالفت ما با ننوخته ایسم نه از سر ضدیت با گروه یا جریانی خاص بلکه در دفاع از پرنسیپها، ارزشها و اصولی است که باید هر جریان سیاسی خود را بدانها ملزم بداند و بدفاع از آنها بپردازد. و این دقیقاً وظیفه ای است که در راستای جلوگیری از مخدوش شدن مرز بین صف انقلاب و ضد انقلاب از جانب ما و سایرین منتقدین و مخالفان شما صورت میگیرد. مبارزه با دشمن در همه اشکال آن از دولت و نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی سرمایه گرفته تا سرمایه دارا و خوند و پاسدار و... تا فساد سیاسی در احزاب سیاسی و ننوخته ایسم و... هدف اصلی ماست و در این راه کوتاه نخواهیم آمد و با تمام قدرت هر آنچه در توان داریم برای جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی انجام خواهیم داد. ما گورکنان واقعی نظام سرمایه داری هستیم و در برقراری سوسیالیسم با هیچ دشمنی از در سازش در نخواهیم آمد.

در پایان اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له آمده است: **"آنچه این جمع میخواهند بعنوان کمپین تبلیغی و مضمون فعالیت بخورد صفوف خودشان بدهند، بشدت حقیرانه است. توفان**

اگر فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی این اطلاعیه را ببینند بدون شک این اطلاعیه را بعنوان یک شاهکار در ادبیات نوشتاری عامیانه و حاج بازاری شایسته تقدیر خواهند دانست، نویسنده آن را کاندید دریافت جایزه ویژه فرهنگستانشان خواهند کرد. استفاده از استعاره و تخصص در صنعت تشبیه (قیل هوا کردن، توفان در فتنان) در لایبالی این اطلاعیه هر خواننده ای را به تحسین و امیدارد!!! تنظیم کنندگان این اطلاعیه ادبی اگر بجای سیاست و دنباله روی از جریان آذرین - مقدم وقت گرانبهای خود را صرف آفرینش این گونه متون ادبی میکردند مطمئناً آینده بمراتب بهتری در انتظارشان میبود.

متأسفانه راهی که به تاسی از جریان آذرین - مقدم در پیش گرفته اید به ناکجا آباد منتهی میشود. شما در راهی قدم گذاشته اید که قبلاً حزب توده و اکثریت پیرومده اند. اما در مورد رهنمود این نابغه های سیاست باز در این اطلاعیه با زبان بی زبانی به اعضا و کادرهای کومه له دستور داده اند در مقابل نفوذ رو به افزایش ننوخته ایها در سازمانشان اهمال کنند و بیخیال باشند تا آنها تشکیلات را تمام و کمال تحویل جریان منحن آذرین - مقدم دهند.

درستی یا نادرستی مواضع سیاسی ربطی به تاریخ و قدمت احزاب سیاسی ندارد، همینطور کمیته و تعداد اعضا و جغرافیای محل فعالیت نمیتواند تاثیری در پایداری جریانات سیاسی به سالم نگهداشتن فضای سیاسی اپوزیسیون داشته باشد.

بحث ما حکمتیستها و سایر منتقدین بسیار واضح و مشخص است، ما صرف نظر از تمامی اختلافات سیاسی از اعضا و کادرهای کومه له میخواهیم اقدامات ننوخته ایستی جریان آذرین - مقدم را محکوم کرده و در فعالیتهای پلیسی آنان سهیم نشوند. این جریان هم اکنون در صفوف کومه له و بخشی از رهبری آن رخنه کرده است. این واقعیتی است که نه تنها حکمتیستها بلکه گروهها و شخصیتهای بسیاری بر آن تاکید کرده اند. تجربه نشان داده است رهبری کنونی کومه له فاقد جسارت و شجاعت لازم در جهت عقب راندن عناصر ننوخته ای در این سازمان است و توان ایستادگی در مقابل این جریان را ندارد. انتشار این اطلاعیه نشان از نفوذ و پیشروی جریان آذرین - مقدم در کومه له و تاکیدی برجسته گرفتن هشدارهای ما به خطاب به صفوف کومه له است.

اعضا و کادرهای کومه له باید قاطعانه در مقابل اقدامات ننوخته ایها بایستند و آنان را از بین خود طرد کنند.

## درخواست نگهبان شرکت راهسازی ساردو

بهروز آتشین

از کومه له کمونیست چه چیزی  
با قیامانده است؟

جمال بهرامی

موضوعی که میخوام برایتان بنویسم در رابطه با گذشته کومه له و اوضاع فعلی آن است. این جریان کمونیست برای همه مردم از جمله کارگران و زحمتکشان در کردستان مدافع کارگران، زنان و تمام ستمدیدگان جامعه بود. جریانی بود که با تمام قدرت در برابر بورژوازی و در برابر ناسیونالیسم کرد ایستاده بود. ماهیت جریانات ارتجاعی را برای مردم روشن و افشا میکرد. کومه له از همان روزهای نخست سرسختانه در برابر جریانات بورژوازی کرد ایستاد. به همین دلایل به یک جریان کمونیستی عظیم تبدیل شد. به یک درخت توهمند ریشه دار در میان کارگران و زحمتکشان کردستان مبدل شد. ولی چه بر سر این درخت پربار و توهمند آمد؟

اکنون 4 گروه تحت نام کومه له فعالیت میکنند که 3 تای آنها پرچم کردستان جای پرچم کمونیستی را گرفته و سالهاست مسابقه برای اصالت کردی را شروع کرده اند، دیگری که هنوز خود را کمونیست میدانند و رهبری ابراهیم عزیزاده را دارد در میان چپ و راست و اینها در حال معلق زدن است و هنوز که هنوز است استقرار پیدا نکرده است. به جرات باید گفت همه اینها ربطی به کمونیسم و انقلابیگری که ما له قدیم ندارند. حزب دمکرات که زمانی آزادی ناپودی این جریان را در سر می پروراند و به خود و دشمنان کمونیسم ناپودی کمونیستها در کردستان را میداد، به راحتی در تاروپود این جریانات رخنه کرده و بدون جنگ و درگیری قسمتی از آن را از آن خود کرده است حتی پژاک و پ پ ک هم از این خوان بیغما بی نصیب نمانده است و بخشی از کومه له رسماً به اردوی ناسیونالیسم کرد پیوسته است. بخشی هم که مورد پرورش جریانات توده ای قرار گرفته است و ننوخته ایهایی که از همه جا طرد و رانده شده اند اکنون در کومه له حزب کمونیست لانه کرده اند و مشغول جاسوسی علیه فعالین و مبارزان اپوزیسیون جمهوری اسلامی هستند.

روی سخن من با کسانی است که هنوز وجدان کمونیستی در آنها باقی است و به آرمان کمونیسم وفادارند. شمایی که خود را در مقابل این جریان مسئول میدانید به ننوخته ایها فرصت ندهید که با سرنوشت کومه له بازی کنند. مردم کردستان خاطرات گرانبهایی از کسانی دارند که در راه آزادی طبقه کارگر در صفوف این سازمان فداکاری و جانفشانی کرده اند. هزاران انسان شریف و کمونیست در راه آزادی و برابری جان خود را فدا کردند. اجازه ندهید این جریان را بر احوالی به توده ایهای فرصت طلب بفرشند. من بعنوان کسی که سالها در صفوف کومه له، چه در نیروی پیشمرگ و در گردان شوان و چه در تشکیلات مخفی، از نزدیک با این جریان آشنا بوده ام و با ناباوری این اتفاقات را دنبال کرده ام. از شما میخوام در برابر کسانی که میخوامند کومه له را به ناپودی بکشانند و نام کمونیستی آن را لجن مال کنند بایستید.

چرا نشسته ایم و منفعل هستیم؟ این سرنوشت گذشته پدران و مادران و نزدیکان و هموعانمان بوده و در صورت منفعل بودنمان آینده خودمان و فرزندانمان هم خواهد بود. آیا این همه مصیبت و بدبختی که بر سر ما می آورند نتیجه سیستم حکومتی، اقتصاد، آموزش و پرورش و فرهنگ فاسد کشورمان نیست که با ترویج مذهب و خرافه پرستی و ملیت پرستی و نفاق و تفرقه افکنی میان مردمی که طی سالهای متمادی با هم زندگی کرده و اختلاط قومی و فرهنگی و گاه "زبانی هم با هم داشته اند نیست؟ آیا ما جوانان انقلابی و کمونیست نباید خودمان را سپر و ستون دفاع از طبقه کارگر و زحمتکش جامعه به حساب آوریم؟ آیا باید منتظر نیروی ماورائی، امریکا و احزاب قومپرست که همانند اسلامیه و جمهوری اسلامی سرمایه خطرناکند باشیم؟

به نظر من که خود را یک جوان کمونیست میدانم و بسیار هم طعم فقر و فلاکت و بیکاری و بی مسکنی را چشیده ام، در درجه اول وظیفه هر انسان شرافتمند و صادق و کمونیستی است به محض مشاهده هر نوع نابرابری و بیعدالتی و تجاوز به حقوق انسانی و مدنی انسانها ساکت ننشیند و حداقل با زبان اعتراض آن حرکتها را محکوم کند. و در درجه دوم وظیفه هر انسانی است که در هر شهروروستایی که زندگی میکند به سازماندهی و آگاه سازی مردم و طبقه کارگر بپردازد و آنها را نسبت به حقوق انسانی خود آگاه سازد و قدرت دفاع از اجتماعش در برابر سرمایه داران و قومپرستان و مذهبیها باشد این کار میسر نیست مگر با اتحاد و ایجاد سازمان، و پیوستن به حزب حکمتیست و تشکیل واحدهای گارد آزادی در محل کار و زندگی.

### دبیر کمیته کردستان

اسد گلچینی

[agolchini@yahoo.com](mailto:agolchini@yahoo.com)

مسئول روابط عمومی کمیته کردستان:

اسماعیل وایسی

[esmail.waisi@gmail.com](mailto:esmail.waisi@gmail.com)

با تکان دادن دست ما را و ادار به توقف کرد و تقاضای یک کبریت برای روشن نمودن چراغ کرد. درحالی که در آن حوالی نه خبری از چادر وخیمه یا کانکس نگهبانی ویا منزلی بود. ما که کنجکاو شده بودیم از وی سوال کردیم پس چراغت کو؟ پیرمرد با اشاره دست گفت من نگهبان این چند دستگاه ماشین راهسازی هستم و از 4 عصر تا 7 صبح بمدت پانزده ساعت کاری در شبانه روز مشغول نگهبانی هستم با شروع فصل سرما مرتباً تقاضای چادر جهت نگهبانی و وسایل گرمایی نموده ایم، کارفرما مدعی است وظیفه نگهبان پاسداری از اموال شرکت است و چادر یا کانکس در این بیابان مانع دید نگهبان ویا سبب ساز حادثه میباشد و اگر سردتان میشود میتوانید با آتش زدن چوب در محوطه ماشین آلات خوردتان را گرم کنید و پیرمرد افزود که من خودم پتو و چراغ نفتی از منزل تهیه کرده ام و در داخل یک لودر تا هنگام سرکار آمدن نیروها خود را گرم میکنم.

یکی از رفقا از وی پرسید آیا چنین کاری به حقوق و مزایای آن می ارزد؟!

پیرمرد با لبخندی حزن انگیز و چشمانی پراز رنج و مشقت جواب داد: ای بابا! ما که از آرد بیبیهشت تا بحال حقوقی دریافت ننموده ایم چه برسد به مزایایش ( بیمه - حق عائله - بن و...) آن هم ماهیانه 160 هزار تومان که به هیچ جای زندگیمان نمیرسد. پس از صحبتهایی که با وی در مورد مطالبه حق و حقوقش از کارفرما داشتیم گفت اگر واقعاً شما طرفدار و مدافع طبقه کارگر و زحمتکش هستید این مطالب را که برایتان بیان کردم در رادیو و تلویزیون و هر رسانه دیگری که دارید منعکس کنید، تا شاید تمام کارفرمایان متوجه رسوائی هایشان گردند و از اعمال ننگین خویش شرممنده شوند و حداقل به فکر پرداخت حقوقهای معوقه کارگران باشند.

با توجه به وضعیت تورم و گرانی افسار گسیخته ای که در ایران هست. طبقه ای که بیشترین صدمه را میبیند طبقه کارگر و زحمتکش است و حتی طبقه متوسط جامعه هم از آن بی نصیب نیست. آیا وظیفه ما جوانان انقلابی نیست که زبان گویای این کارگران و هزاران انسان دیگری که توسط استثمارگران و سرمایه داران دولتی و غیر دولتی شیره جانانشان کشیده میشود، باشیم؟ ما که از بطن این جامعه غیر انسانی و سراسر ظلم و نابرابری برخاسته ایم و با تمام پوست و استخوانمان این پدیده و هزاران مثل این اتفاقات را روزانه مشاهده می کنیم، پس

## قدرت نمایی یا ترس!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

فعالین کارگری دستگیر و سرکوب میشوند. فعالین سندیکای شرکت واحد و نیشکر ۷ تپه به زندان افتاده اند. فعالین دانشجویی در تهران و مازندران و شیراز و همدان و... تعقیب و دستگیر شده اند. تیم های وزارت اطلاعات، دانشجویان و خانواده هایشان را تلفنی تهدید میکنند، وبلاگ های دانشجویی را حک کرده و وبلاگ های ضد دانشجویان را راه اندازی میکنند و سرانجام در یک نمایش شرم آور بربریت، دو تن از فعالین کارگری، سوسن رازانی و شیوا خیرآبادی را شلاق زده اند.

جمهوری اسلامی تا خرخره در بحران سرمایه داری و ورشکستگی کامل اقتصادی گیر افتاده است. جناح های مختلف دولت سرمایه داران مشغول چانه زنی بر سر راه حل های برون رفت از بحران مرگبار نظام شان هستند. نمایش انتخابات گوشه ای از این سناریو است.

عوارض بحران و ورشکستگی اقتصادی که دامن طبقه کارگر و اقشار محروم و کم درآمد را گرفته است، راهی برای مردم جز اعتراض به موقعیت فلاکتبار خود را باقی نگذاشته است. خطر مبارزه با فقر و گرسنگی بر بستر تنفر عمیق از جمهوری اسلامی و موج آزادیخواهی و برابری طلبی دولت سرمایه داران را تهدید میکند. دستگیری و سرکوب فعالین کارگری، دستگیری و تعقیب و تهدید فعالین دانشجویی و وارد آوردن شلاق بر بدن انسان ها، عکس العمل جنون آمیز دولت در برابر تهدیدات توده های کارگر و مردم و جوانان برابری طلب است. تهدیدات و تعرض سرکوبگرانه دولت احمدی نژاد جز اقدام پیشگیرانه در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل جنبشهای اجتماعی برای نان و آزادی و برابری چیز دیگری نیست. اما این سیاست شناخته شده و رسوا نمیتواند رژیم بحران زده و سرکوبگر را از تعرض توده ای و از طغیان هایی که در راه است نجات دهد. اعتراض و نفرت میلیونی توده های به جان آمده را باید سازمان داد. موج آزادیخواهی و برابری طلبی را باید گسترش داد. جای هر فعال کارگری و فعال جنبش آزادی و برابری را باید ده ها فعال و رهبر کارگر و زن و جوان آزادیخواه بگیرد. جمهوری اسلامی اگر در سودای بازی کردن نقش یک قدرت منطقی ای است، اما در مقابل بحران اقتصادی لاعلاج و بحران سیاسی و خواست قاطعانه آزادی و برابری، راه گریز ندارد. باید حلقه محاصره را تنگ تر کرد. ایجاد صفی بهم پیوسته از طبقه کارگر آگاه، زنان، جوانان و دانشجویان آزادیخواه، میتواند و باید تعرض رژیم را مهار کند، شلاق را از دستشان بپندارد و ناقوس مرگ حاکمان سرمایه در ایران را به صدا در آورد.

زنده باد آزادی و برابری

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۴ اسفند ۸۷ - 22 فوریه ۲۰۰۹

### سرنوشت آزادیخواهان و کمونیستها در "حزب کمونیست"

برخورد غیر دموکراتیک و ضد آزادی رهبری حزب کمونیست ایران ( جمعی از فعالین کومله در شهر سلیمانیه و حومه)

برخورد غیر دموکراتیک و ضد آزادی رهبری حزب کمونیست ایران در برابر رفیق عبد الله خوش پیام را محکوم میکنیم. در مدت چند روز گذشته ما جمعی از فعالین کومله و فعالین کارگری در شهر سلیمانیه و حومه به مناسبت 26 بهمن روز کومله پیامی را روی سایتهای اینترنتی پخش کردیم. به دنبال این پیام، رهبری حزب کمونیست تمام تلاشهای خود را بکار گرفت تا با تهدید و احضار کردن و قطع کردن حقوق ماهیانه و غیره... امضاء کنندگان پیام را وادار به پس گرفتن امضایشان کند. به دنبال این کار روز پنجشنبه 19/2/2009 رفیق عبدالله خوش پیام معروف به "ابوبکر نانو" از چهره های محبوب و قدیمی جنبش کارگری سقز و پیشمرگ چند ساله کومله که چندین بار در زمان رژیم شاهنشاهی و رژیم جمهوری اسلامی بخاطر فعالیتهای کارگری زندانی شده از طرف نمایندگی حزب کمونیست ایران در شهر سلیمانیه احضار شده و به اطلاع ایشان رسانده اند که از این به بعد هیچ گونه حقوقی به ایشان تعلق نخواهد گرفت و به ایشان تذکر داده اند که بخاطر امضایش حق آمد و رفت به هیچ کدام از مقرهای آنها ندارد و در ادامه اعضای ان حزب با نهایت بی احترامی ایشان را از مقر بیرون رانده اند.

این چنین برخوردی با رفیق عبدالله ضد آزادی بیان است و نه تنها با سنت و اخلاق انقلابی کومله مغایر است بلکه با هر نوع اخلاق و فرهنگ سیاسی پیشرو، بیگانه است. واضح است که این اولین برخورد غیر انقلابی رهبری مذکور علیه مخالفین و منتقدان داخلی خود نیست بلکه این چنین برخوردهایی با مخالفین صدها بار تکرار شده و به امری رایج در این حزب تبدیل شده است. به عنوان مثال: ما فعالین کومله در شهر سلیمانیه و حومه تک به تک ما هر کدام با نوعی با چنین برخوردی مواجه گشته ایم. چنین برخوردی علیه پناهندگان سیاسی و مبارزین کومله، نشان میدهد که ان حزب و رهبریش نسبت به مبارزین قدیمی کومله و جنبش کارگری و ارمانهای انقلابی کومله بی تفاوت شده و برای حفظ منافع شخصی عده ای معدود و با زیر پا گذاشتن پرنسیپ های کومله و برای بد نام کردن و نابودی کومله در تلاشند.

رهبری حزب کمونیست ایران با سوء استفاده از وضعیت نابسامان زندگی ما پناهندگان سیاسی، تلاش میکنند با این نوع حرکات، سیاست خفقان و سرکوب خود را ان طور که در اردوگاهش حاکم است در بیرون از تشکیلاتش نیز حاکم نماید برای اینکه وضعیت درون حزبی را پنهان نماید. به همین خاطر ما ( فعالین کومله در سلیمانیه) این برخورد غیر انقلابی رهبری حزب کمونیست را محکوم نموده و امیدواریم احزاب و سازمانها و شخصیت های چپ و آزادیخواه این چنین برخورد پلیسی رهبری حزب کمونیست را محکوم نموده، و در برابر ان موضعگیری نمایند.

زنده باد آزادی بیان

زنده باد کومله

( جمعی از فعالین کومله در شهر سلیمانیه و حومه)

2009 /22/2